

خارج از مدار

قتل یک معلم ایرانی تبار در آلمان

معلم ایرانی تبار ساکن شهر سله آلمان در زیرزمین خانه‌اش به طرز مرموزی به قتل رسید.

رسانه‌های آلمان اعلام کرده‌اند این معلم ۵۵ساله آلمانی ایرانی تبار که مهدی نام دارد، در یکی از دبیرستان‌های شهر سله (Celle) ریاضی، فیزیک و شیمی تدریس می‌کرده‌است. این حادثه زمانی به‌مأموران پلیس گزارش شد که یکی از معلمان دبیرستان پس از غیبت یک‌روزه‌او نگران می‌شود و به خانه همکارش مراجعه می‌کند. وی با کشفیتهٔ مقتول «محبوب‌ترین معلم» دبیرستان بوده وارد خانه او می‌شود و جسد او را در زیر زمین خانه‌اش پیدا می‌کند و بلافاصله موضوع را به پلیس خبری می‌دهد. بر اساس این گزارش مهدی در کنار شغل معلمی به اقامتگاه‌های پناهنجویان در محل سکونت خودسر می‌زده و در زمینه کارهای ترجمه پناهنجویان، مراجعه به اداره یا دکتر با آنها همکاری و همراهی می‌کرده‌است.

شاگردان این معلم ایرانی تبار هم در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند مهدی «محبوب‌ترین معلم» دبیرستان بوده است. در تحقیقات هم همسایه‌های مقتول گفتند که او فردی آرام و سربه‌زیر بوده و به اطرافیان خود کمک می‌کرده‌است. به گزارش «پسنا» تحقیقات دربارهٔ این کیس‌سین ویژه‌برای شناسایی عامل بااعلان این حادثه اعلام کرده‌اند مقتول گاهی پناهنجویان را به خانه‌اش دعوت می‌کرده‌است.

مرگ ۵۸دانش آموز در فرانسه



در دو تصادف مرگبار در فرانسه هشت دانش آموز کشته و هفت دانش آموز دیگر زخمی شدند. نخستین حادثه روز چهارشنبه در نزدیکی «مون‌بنوا» در شرق فرانسه رخ داد که در جریان آن یک اتوبوس مسافرآرتی که حامل ۲۲ دانش‌آموز بود، در جاده برفی واژگون شد. در این حادثه دو دانش‌آموز جان باختند و هفت نفر دیگر هم زخمی شدند. پس از این حادثه، راننده اتوبوس به اتهام قتل غیر عمد بازداشت شد.

دومین تصادف هم ۷ صبح روز پنج‌شنبه در ۲۶ کیلومتری شهر «وشوفو» در غرب فرانسه بین یک دستگاه اتوبوس که ۱۵ مسافر دانش‌آموز داشت با یک دستگاه کامیون رخ داد و در این حادثه هم دست کم شش دانش‌آموز کشته شدند.

۴۹ کشته در شورش زندانیان یک زندان مکزیک

شورش در یکی از زندان‌های مکزیک در نزدیکی «مونتسری» در شمال این کشور ۴۹ کشته بر جای گذاشته است.

به گزارش «پسنا»، «جیمی روبو ریگر»، شهردار استان «وئوتلون» گفته‌است که این درگیری خشونت‌آمیز ساعت ۳۰ دقیقه بامداد بین دو گروه رقیب در زندان «ویوپوچیکو» رخ داد که ۴۹ کشته و ۱۲ زخمی برجای گذاشت. وی در بیانیه خود گفت که یکی از اعضای کارتل «تاس» از خشن‌ترین باندهای مواد مخدر در مکزیک رهبری یکی از گروه‌های درگیر را بر عهده داشته‌است. رهبر گروه دیگر را هم «خورخه ایوان هرناندز کانتو» که عضو کارتل «گلف» معرفی می‌شود به عهده داشته‌است. هنوز معلوم نیست هیچ یک از این دو نفر جزو قربانیان هستند یا نه و مسئولان زندان می‌گویند که وضعیت تحت کنترل است و هیچیک از زندانیان فرار نکرده‌اند. به گفته وی همه کشته‌ها زندانیان در حال پنج نفر از زخمی‌ها وخیم است.

بازنشسته وزارت دفاع

در دام مأمور قلبی وزارت اطلاعات

مرد کلاهبرداری که با معرفی خودش به عنوان مأمور وزارت اطلاعات از شهروندان کلاهبرداری می‌کند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مرد سالمندی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت مرد جوانی در پوشش مأمور وزارت اطلاعات ۱۵میلیون تومان از وی کلاهبرداری کرده‌است.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: من بازنشسته وزارت دفاع هستم. خانه‌ام در حوالی میدان تجریش است و وضع مالی خوبی دارم. دیروز عصر به خاطر مشکل قلبی‌ای که دارم به مطب پزشک همیشگی‌ام مراجعه کردم. ساعتی بعد در راه برگشت به خانه‌ام داخل تاکسی کنار مرد جوانی نشستم که در حال حرف زدن با تلفن بود او با فردی در آن سوی خط درباره واریز یارانه دولتی حرف می‌زد. از حرف‌هایشان معلوم بود که درباره قطع شدن یارانه طرف مقابل حرف می‌دند. مرد جوان به او دلداری می‌داد و در ادامه هم درباره مشکلات اقتصادی حرف زد و گرفتاری‌هایی که طبقه ضعیف با آن روبه‌رو هستند و به فردی که با او در حال حرف زدن بود، قول داد مبلغی به حسابش واریز کند و از او خواست تا شماره کارتش را برایش پیامک کند. مرد جوان در پایان کمی از مسئولان بدگویی و بعد هم خداحافظی کرد. وی وقتی تلفنش تمام شد با من از تاکسی در حوالی میدان آرژانتین پیاده شد و درباره مشکلات اقتصادی جامعه با من شروع به حرف زدن کرد و بعد از من سؤال کرد که شما حرف‌های مرا قبول دارید یا نه. من ابتدا جوابی ندمادم و فقط لیخندی برای رضایت او زدم، اما این مرد آنقدر اصرار و قیافه حق به‌جناب گرفت تا اینکه من حرف‌هایش را تأیید کردم

و گفتم که درست می‌گوید، طبقه ضعیف جامعه با مشکلات اقتصادی زیادی روبه‌رو هستند و پرداخت یارانه برای آنها ضروری است که ناگهان مرد جوان دستم را گرفت و گفت مأمور مخفی وزارت اطلاعات است و حرف‌های مرا ضبط کرده‌است. در حالی که به شدت ترسیده بودم به او گفتم که من حرف بدی ن‌زدم، اما او مدعی بود که من به نظام توهین کرده‌ام و باید با او برای تشکیل پرونده و بازجویی به اداره آنها بروم. او در ادامه گفت به خاطر تعطیلی اداره‌ها باید دو روز بازداشت باشم و بعد به دادسرا معرفی شوم. پس از این خیلی به او التماس کردم که مرا رها کند، اما او قبول نکرد دست مرا به طرف خیابان کشید و گفت باید با او بروم. به او گفتم که بیماری قلبی دارم و باید به خانه‌ام بروم و داروهایم را بخورم، اما باز هم فایده‌ای نداشت و حتی قبول نکرد با من به خانه‌ام بیاید تا داروهایم را بردارم. مرد جوان وقتی با التماس‌های من روبه‌رو شد به من گفت در صورتی که وثیقه‌ای بگذارم، مرا رها می‌کند در غیر این صورت باید با او به اداره آنها بروم و بعد از بازجویی تا روز دادگاه آنجا بازداشت باشم. پس از این از او خواستم تا با من به خانه‌ام بیاید و سند خانه‌ام را درها تعویض است و امکان قیمت‌گذاری و کارشناسی سند خانه وجود ندارد و باید من وثیقه نقدی مانند پول نقد، طلا و جواهرات پیش او امانت بگذارم تا مرا رها کند. در حالی که وضعیت جسمانی‌ام هر لحظه بدتر می‌شد به یاد آمد که در حساب بانکی‌ام ۱۵ میلیون تومان پول دارم. به همین دلیل به او گفتم که می‌توانم از حساب بانکی‌ام ۱۵ میلیون تومان پول برداشت کنم. مرد مأمورنما وقتی حرف مرا شنید بلافاصله از من

خواست تا به بانکی در این نزدیکی برویم و ۱۵ میلیون تومان را برداشت کنم و به صورت امانت پیش او بگذارم تا بعد از تعطیلات خودم را به اداره پلیس معرفی کنم و پول‌هایم را پس بگیرم. در چنین شرایطی احساس کردم راه دیگری ندارم و قبول کردم و مرد جوان دست مرا گرفت و گشاکش‌کنان به سرعت به نزدیک‌ترین بانک برد. وقتی رسید برداشت پول را نوشتم و تحویل دادم، کارمندبانک گفت که به دلیل ساعت پایانی بانک بیش از ۵ میلیون تومان پرداخت ندارند. مرد جوان وقتی این حرف را شنید خیلی اصرار کرد تا پول بیشتر بگیرد، اما کارمند بانک گفت که بانک همین مقدار موجودی پول بیشتری پرداخت کند. وی ادامه داد: مرد جوان با شنیدن حرف کارمندبانک بلافاصله ۵میلیون تومان را گرفت و در حالی که دست مرا گرفته بود از بانک بیرون آمد و یک تاکسی در دست کرایه کرد و به زور مرا سوار تاکسی کرد و به سمت شعبه مرکزی به راه افتادم. هر چند که با او التماس کردم که همین مقدار کافی است و من قول می‌دهم دو روز دیگر خودم را معرفی کنم، اما او قبول نکرد. وقتی به بانک رسیدم بلافاصله از من خواست بقیه ۱۰ میلیون تومان را برداشت کنم. آنجا ۱۵میلیون بقیه پول را چک رمزدار بگیرم، اما باز هم قبول نکرد و گفت باید پول نقد بدهم. مجبور شدم و رسید برداشت را بر کردم که مسئول بچه پرداخت هم گفت این مقدار پول ندارند، اما مرد مأمورنما با چرب‌زبانی خودش را به کارمند نزدیک کرد و منی‌دانم به او چه گفت که کارمند بانک ۱۰ میلیون تومان را برایش جور کرد و او همه پول‌ها را گرفت و داخل کیفی که همراهش داشت گذاشت.

بازنشسته وزارت دفاع

در دام مأمور قلبی وزارت اطلاعات

وی در پایان گفت: وقتی از بانک بیرون آمدم، او از خواستم در مقابل ۱۵ میلیون تومان به من رسید بدهد یا با هم به اداره آنها برویم و رسید پول‌هایم را بگیرم، اما او از زیر لباس چیزی شنبیه بی‌سیم به من نشان داد و خواست تا به او اطمینان کنم و بعد هم گفت اگر با او به اداره بروم، امکان دارد مسئولان مرا بازداشت کند و وثیقه را قبول نکنند. بعد از این او، شماره مرا گرفت و قرار شد روز بعد با من تماس بگیرد و من هم از ترس قبول کردم و بدون گرفتن حتی یک شماره تلفن با دیدن کارت شناسایی‌ی از او جدا شدم و به سرعت به خانه‌مان رفتم. روز بعد در انتظار تماس او بودم، اما از تلفن خبری نشد تا اینکه همسرم از موضوع با خبر شد و به من گفت او کلاهبردار بوده و مرا فریب داده‌است.

پس از طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی هادی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای خارک در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام، تحقیقات خود را از بانک‌های محل حادثه آغاز کردند. بررسی‌ها و گفته‌های مسئولان بانک نشان داد روز حادثه صاحب حساب همراه مرد جوانی به دو بانک مراجعه کرده و مبلغ ۱۵ میلیون تومان برداشت کرده و به مرد جوان تحویل داده‌است. مأموران در گام بعدی دوربین‌های دو بانک را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند دوربین‌ها چهره مرد کلاهبردار را ضبط کرده‌است. با به‌دست آوردن چهره مرد کلاهبردار بررسی‌های پلیسی به دستور قاضی هادی، بازپرس پرونده از دادسرای خارک وارد مرحله تازه‌ای شد و کارآگاهان تحقیقات تخصصی خود را برای شناسایی مرد کلاهبردار آغاز کردند.

متهم: مست بودم پدرم را به قتل رساندم

پدرش اعتراف کرد. وی گفت: مدتی بود با پدرم اختلاف مالی داشتم. روز حادثه پس از اینکه مقدار زیادی مشروب خوردم، از کرج به خانه پدرم آمدم تا درباره اختلاف مالی‌ام با او حرف بزنم. وقتی به خانه رسیدم، متوجه شدم مادرم به بازار رفته و پدرم در خانه تنها‌است. فرصت خوبی بود که تنهایی با او حرف بزنم. بعد از کمی حرف



زده و او را به شدت کتک زده‌است. وحید گفت وقتی حال پدرش بد شده او را به بیمارستان برده و به پزشکان گفته‌است که پدرش در دستتویی سر و سرش به زمین خورده و بعد هم بیمارستان را ترک کرده‌است. پس از این من به بیمارستان رفتم که فهمیدم بایک فوت کرده‌است. پس از این، مأموران وحید را به عنوان مظنون به قتل متهم تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه متهم را در یک قرار صوری در تهران بازداشت کردند. متهم در نخستین بازجویی‌ها ابتدا منکر قتل پدرش را

گفت. اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به قتل پدرش اعتراف کرد. وی گفت: مدتی بود با پدرم اختلاف مالی داشتم. روز حادثه پس از اینکه مقدار زیادی مشروب خوردم، از کرج به خانه پدرم آمدم تا درباره اختلاف مالی‌ام با او حرف بزنم. وقتی به خانه رسیدم، متوجه شدم مادرم به بازار رفته و پدرم در خانه تنها‌است. فرصت خوبی بود که تنهایی با او حرف بزنم. بعد از کمی حرف

زده و او را به شدت کتک زده‌است. وحید گفت وقتی حال پدرش بد شده او را به بیمارستان برده و به پزشکان گفته‌است که پدرش در دستتویی سر و سرش به زمین خورده و بعد هم بیمارستان را ترک کرده‌است. پس از این من به بیمارستان رفتم که فهمیدم بایک فوت کرده‌است. پس از این، مأموران وحید را به عنوان مظنون به قتل متهم تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه متهم را در یک قرار صوری در تهران بازداشت کردند. متهم در نخستین بازجویی‌ها ابتدا منکر قتل پدرش را

دزدیدن نوزاد از بیمارستان برای برادر!

زن جوانی که نوزادی را از بیمارستان ۱۷شهر بور میسروده بود ۳۰ ساعت پس از حادثه بازداشت شد. ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه ۱۹ بهمن ماه مأموران پلیس آگاهی شهرستان مشهد با تماس تلفنی کارکنان بیمارستان ۱۷شهربور از ربودن نوزاد دختری باخبر شدند. پس از اعلام این خبر تیم ویژه‌ای از مأموران پلیس آگاهی به دستور سردار بهرام امیری مقدم، فرمانده انتظامی خراسان زده‌است.

■ **بازگشت نوزاد ربوده شده به آغوش مادر پس از ۳۰ساعت تحقیقات میدانی**
بیمارستان مرجعه کرده‌است. یکی از کارکنان بیمارستان گفت: این زن چندبار به آنها مراجعه و ادعا کرده‌زن برادرش بچه دار نمی‌شود و قصد دارد نوزادی را از خانواده‌های او صورت توافقی برای فرزندخواندگی بردارش بگیرد. در حالی که این زن هیچ ردپایی از خود برجای نگذاشته بود. مأموران در تحقیقات بعدی دریافتند وی مدتی قبل به مامای نیز مراجعه کرده و درباره خرید نوزادی با مامای مورد نظر حرف زده‌است.

■ **بازگشت نوزاد ربوده شده به آغوش مادر پس از ۳۰ساعت تحقیقات میدانی**
بیمارستان مرجعه کرده‌است. یکی از کارکنان بیمارستان گفت: این زن چندبار به آنها مراجعه و ادعا کرده‌زن برادرش بچه دار نمی‌شود و قصد دارد نوزادی را از خانواده‌های او صورت توافقی برای فرزندخواندگی بردارش بگیرد. در حالی که این زن هیچ ردپایی از خود برجای نگذاشته بود. مأموران در تحقیقات بعدی دریافتند وی مدتی قبل به مامای نیز مراجعه کرده و درباره خرید نوزادی با مامای مورد نظر حرف زده‌است.

■ **بازگشت نوزاد ربوده شده به آغوش مادر پس از ۳۰ساعت تحقیقات میدانی**
بیمارستان مرجعه کرده‌است. یکی از کارکنان بیمارستان گفت: این زن چندبار به آنها مراجعه و ادعا کرده‌زن برادرش بچه دار نمی‌شود و قصد دارد نوزادی را از خانواده‌های او صورت توافقی برای فرزندخواندگی بردارش بگیرد. در حالی که این زن هیچ ردپایی از خود برجای نگذاشته بود. مأموران در تحقیقات بعدی دریافتند وی مدتی قبل به مامای نیز مراجعه کرده و درباره خرید نوزادی با مامای مورد نظر حرف زده‌است.

کشف جسد دختر ناشناس در نزدیکی بیمارستان

منتقل کرده‌اند، اما پزشک معالج بعد از معاینه اعلام کرده، دختر جوان فوت شده‌است.

لحظاتی بعد از اعلام این خبر بازپرس به همراه کارآگاهان اداره دهم در بیمارستان به تحقیق پرداختند. مأمور پلیس گفت: در حال گشت زنی در محدوده استحقاقی بودیم که جسم مشکوکی در ابتدای کوچه‌ای حوالی بیمارستان نظر ما را به خودش جلب کرد. وقتی به آن نزدیک شدیم، جسد خونین این دختر را مشاهده و بلافاصله به بیمارستان منتقل کردیم که معلوم شد مدتی قبل فوت کرده‌است. نخستین

منتقل کرده‌اند، اما پزشک معالج بعد از معاینه اعلام کرده، دختر جوان فوت شده‌است.

لحظاتی بعد از اعلام این خبر بازپرس به همراه کارآگاهان اداره دهم در بیمارستان به تحقیق پرداختند. مأمور پلیس گفت: در حال گشت زنی در محدوده استحقاقی بودیم که جسم مشکوکی در ابتدای کوچه‌ای حوالی بیمارستان نظر ما را به خودش جلب کرد. وقتی به آن نزدیک شدیم، جسد خونین این دختر را مشاهده و بلافاصله به بیمارستان منتقل کردیم که معلوم شد مدتی قبل فوت کرده‌است. نخستین

منتقل کرده‌اند، اما پزشک معالج بعد از معاینه اعلام کرده، دختر جوان فوت شده‌است.

لحظاتی بعد از اعلام این خبر بازپرس به همراه کارآگاهان اداره دهم در بیمارستان به تحقیق پرداختند. مأمور پلیس گفت: در حال گشت زنی در محدوده استحقاقی بودیم که جسم مشکوکی در ابتدای کوچه‌ای حوالی بیمارستان نظر ما را به خودش جلب کرد. وقتی به آن نزدیک شدیم، جسد خونین این دختر را مشاهده و بلافاصله به بیمارستان منتقل کردیم که معلوم شد مدتی قبل فوت کرده‌است. نخستین

اجاره

باشگاه هفتی

اماکن استیجاری که با سند رسمی بدون دریافت هیچ گونه سرقفلی و پیش پرداخت به اجاره واگذار می‌شود، در زمان پایان مدت اجاره، مستأجر موظف به تخلیه آن است، مگر آنکه مدت اجاره با توافق طرفین تمدید شود.

–اجاره بهای هر محل همان است که در اجاره‌نامه قید شده و اگر اجاره‌نامه‌ای نباشد، به مقداری است که بین طرفین مقرر یا عملی شده و در صورتی که مقدار این مشخص نشود، دادگاه مقدار آن را مشخص می‌کند.

– مستأجر باید در زمان تعیین شده اجاره را بپردازد و در صورت خودداری از پرداخت تمام اجاره تا ۱۰ روز بعد از آخر هر ماه یا زمان تعیین شده موجر در صورتی که اجاره نامه رسمی داشته باشد می‌تواند به دفتر خانه تنظیم کننده سند مراجعه کند. دفتر خانه موظف است در تاریخ وصول تقاضا، اخطار به‌ای به مستأجر ارسال کند و اگر تا ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، بدهی خود را نپردازد یا رضایت موجر را به دست نیابد می‌تواند مدارک را برای اجرائیه به ثبت محل ارسال کند. بر طبق ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستأجر، در مواردی که حکم تخلیه با پرداخت کسب و پیشه صادر و قطعی می‌شود، موجر باید در مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، وجه مزبور را به صندوق دادگستری پرداخت یا ترتیب پرداخت آن را به مستأجر بدهد و اگر نه حکم مزبور بی اثر می‌شود، مگر اینکه طرفین به مدت بیشتری توافق کرده باشند. در سایر موارد نیز اگر موجر در مدت یک سال از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، تقاضای صدور اجرائیه نکند، حکم صادر می‌باشد. مستأجر می‌تواند، مگر اینکه بی‌وجه و مستأجر برای تأخیر تخلیه توافق شده باشد.



نیروی انتظامی با میتینگ‌های خیابانی انتخاباتی بر خورد می‌کند

فرمانده نیروی انتظامی از برخورد با جمععات و میتینگ‌های خیابانی انتخاباتی خبر داد و گفت: چنین اجزاء‌ای به نامزدها داده نشده‌است که در سطح معابر و خیابان‌ها میتینگ و تجمع برگزار کنند و در صورت مشاهده چنین مواردی حتماً متخلفان برخورد خواهد شد.

سردار حسین اشتری درباره نظرات پلیس بر تبلیغات نامزدهای انتخابات دو مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری را «پسنا» گفت: از مدت‌ها قبل کارگاه امنیت انتخاباتی را اندازی شده و پلیس فعالیت‌های انجام شده در این زمینه را رصد با تخلفات برخورد می‌کند. وی افزود: ناچاراً توجه به وظیفه ذاتی قانونی که بر عهده دارد، نسبت به تأمین امنیت انتخابات و برخورد با تخلفات انتخاباتی عمل خواهد کرد. وی با بیان اینکه پلیس هم در سطح جامعه و هم در سطح فضای مجازی با تخلفات برخورد خواهد کرد، اظهار داشت: در حال حاضر تمامی ضوابط انتخابات و تبلیغات انتخاباتی مشخص شده و در مواردی که نیروی انتظامی وظیفه‌ای بر عهده داشته باشد بر اساس این ضوابط و قانون عمل خواهد کرد. فرمانده نیروی انتظامی همچنین از اعلام این ضوابط و مقررات به نامزدهای انتخابات خبر داد و گفت: تذکرات لازم به نامزدهای محترم داده شد و امیدواریم شاهد رعایت قانون از سوی تمامی این عزیزان باشیم. سردار اشتری با تأکید بر اینکه پلیس نسبت به تأمین امنیت انتخابات نیز اقدام خواهد کرد، گفت: تلاش ناچار گزار ی انتخاباتی پر شور و با مشارکت بالا است تا شهروندان بتوانند در سایه امنیت و آرامش، نماینده‌های خود را راهی مجالس خبرگان رهبری و شورای اسلامی بکنند.

سارق مواد خوراکی

از سوپر مارکت‌ها دستگیر شد

پسر جوانی که از سوپرمارکت‌های شمال شهر نوشابه و پنیر سرقت می‌کرد، دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل مأموران پلیس از دستگیری سارقی در سوپرمارکتی در شمال تهران با خبر و این محل شدند. مأموران در محل حاضر شد ۲۴ساعه‌ای را به اتهام سرقت مواد خوراکی بازداشت و به‌اداره پلیس منتقل کردند. صاحب سوپرمارکت گفت: لحظاتی قبل متهم وارد سوپرمارکت شد. به رفتار او مشکوک شدم و او را تحت نظر گرفتم. مشاهده کردم وی در حال سرقت پنیر و نوشابه است که او را قبل از فرار دستگیر کردم. صبح روز چهارشنبه متهم پس از تشکیل پرونده برای بازجویی به دادسرای ویژه سرقت منتقل شد.

متهم با اظهار پشیمانی گفت: من شهرستانی هستم. مدتی قبل از شهرستان برای کار به تهران آمدم. مدتی گذشت و کار خوبی پیدا نکردم و بیشتر در خیابان‌ها پرسه می‌زدم تا اینکه با دو پسر جوان به نام‌های ستار و آرین در پارکی آشنا شدم. از آنجایی که من جای خواب نداشتم، ستار پیشنهاد داد شب‌ها برای خواب پیش آنها بروم چند پیشی پیش آنها خوابیدم تا اینکه فهمیدم ستار و آرین سارق هستند. پس از این، آنها از من خواستند من هم با آنها همکاری کنم و گرنه پیش آنها نروم و من هم قبول کردم و قرار شد از سوپرمارکت‌ها مواد غذایی و از جمله نوشابه، پنیر و خوراکی‌های دیگر سرقت کنم.

دو هفته‌ای من از سوپرمارکت‌ها سرقت کردم تا اینکه روز حادثه دو همدست در خیابان ماندند و من وارد مغازه سوپرمارکت‌شاکی شدم. مغازه‌اش سلوغ بود و فکر نمی‌کردم متوجه سرقت شوم، اما پس از سرقت پنیر و نوشابه توسط فرورنده دستگیر شدم. پس از این دو همدستم از محل گریختند